

نگارش آقای منوچهر بزرگمهری

وکیل دادگستری

بقیه از شماره پیش

انواع کیفرها در قانون کیفری اسلام

حدود عبارتند از ۱ - اعدام که بچند قسم اجرا میشود: الف - بدار آویختن (طبق نظامات ایران و انگلستان) ب - بریدن سر با آلت برنده‌ای که با آهن تعبیه شده باشد از قبیل شمشیر و غیره (در کشور فرانسه با گیوتین اعدام میکنند) ج - سوزانیدن در آتش د - سنگسار کردن ه - از بلندی پرت کردن و - خراب کردن دیوار روی محکوم. در بعضی از گناهان محکوم مخیر است که یکی از شقوق اعدام را درباره خود تجویز نماید و حاکم هم موظف است تقاضی او را بپذیرد. (محارب و لاطی) حکم اعدام باید بطوری جاری شود که باعث آزار محکوم نگردد و اگر محکوم مریض باشد باید ابتدا معالجه و سپس حکم اجرا گردد (مثل نظامات ایران). در بعضی از موارد اعدام تبدیل بدیه میشود. ۲ - حبس مؤبد ۳ - قطع عضو. در قصاص اعضا هر عضوی بجای همان عضو قصاص میشود و اگر محکوم فاقد همان عضو باشد از عضو متشابهه و اگر فاقد عضو متشابهه باشد از عضو دیگری که هم‌ردیف آنست قصاص میشود و در صورت فقدان آن گناهکار محکوم بدادن دیه میگردد. عضویکه قصاص درباره آن جاری میشود باید بی‌عیب باشد (این در صورتیست که عضو معیوب شده مجنی‌علیه هم سالم بوده باشد) و در صورت معیوب بودن حکم در باره عضو متشابهه محکوم اجرا میشود.

دیه یا خون‌بها - دیه عبارت از غرامتی است که از محکومین و یا عاقله (در صورت موافقت طرفین) اخذ و بمدعی خصوصی و یا اولیاء دم داده میشود. دیه قتل هزار مثقال طلای خالص و یا ده هزار درهم نقره و یا معادل بهاء آن حیوانات حلال گوشت و یا اشیاء دیگر است که نوع و میزان آنها در فقه اسلامی پیش‌بینی شده است و دیه اعضا به نسبت هزار مثقال طلا بمیزان نصف و یا ثلث و غیره بیشتر و یا

کمتر است که در فقه اسلامی مقدار آن بسته با اهمیت عضو مصدوم پیش‌بینی شده است و اخذ دیه بسته برضایت طرفین است و اگر یکی از دو طرف از قبول آن سرباز زند متهم قصاص میشود مگر در بعضی از موارد مثل قتل از روی کراهت و با تسبیب که متهم محکوم بدادن دیه میگردد و اگر مدعی خصوصی از شکایت خود صرف نظر کند دیه ساقط میشود. دیه قتل عمدی باید در ظرف یکسال و دیه قتل بخطا در ظرف سه سال پرداخته شود مگر مدعی خصوصی بمدت بیشتری تن دردهد دیه قتل زن نصف دیه مرد است ولی در دیه اعضا میان مرد و زن تفاوتی نیست مگر در بعضی جاها که مستثنی شده است.

انواع قتل در حقوق کیفری اسلام - در فقه اسلامی چند نوع قتل پیش‌بینی شده است ۱ - قتل عمدی ۲ - قتل شبیه بعمد ۳ - قتل بخطا (در قانون کیفری ایران سه نوع قتل پیش‌بینی شده ۱ - قتل مشمول ماده ۱۷۰ که قتل از روی عمد است ۲ - قتل مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ که با قتل شبیه بعمد منطبق است ۳ - قتل مشمول ماده ۱۷۷ که مطابق با قتل بخطا است) یک نوع قتل دیگر در فقه اسلامی هست که شبه جرم محسوب میشود و آن قتلی است که متهم دخالت مستقیم در آن نداشته و بجهاتی که ارتباط غیر مستقیم با متهم دارد واقع میشود مثلاً اگر کسی حیوان جاری داشته باشد که بعلت عدم مراقبت آن قتل واقع شود و یا دیوار خانه و طاق اطاقی که در شرف انهدام است صاحب آن اقدام بر رفع خطر نکند و بر اثر خراب شدن آنها قتل واقع شود صاحب دیوار و یا اطاق مسئولیت حقوقی دارد و دیه خون باید بدهد (این قتل تسبیبی است که در قانون کیفری ایران پیش‌بینی نشده ولی در قانون فرانسه نظیر آن هست) در قتل بخطا متهم قصاص نمیشود و فقط ضمانت حقوقی دارد و دیه هم با عاقله است.

عاقله - عاقله عبارتست از پدر و یا خویشاوندان ذکور پدری و برادران ابی گناهکار و باصطلاح فقها عاقله کسی است که ملزم بدادن بخون بها میباشد و عاقله باید آزاد، بالغ، عاقل، باشد و در صورت داخت دیه مستطیع باشد و در بعضی از

موارد که قاتل فاقد عاقله است و یا عاقله استطاعت پرداخت دیه را ندارد دیه از خزانه بیت‌المال داده میشود. خویشان مادری و زنان عاقله محسوب نمیشوند و علت اینکه پیشوایان اسلام در بعض موارد عاقله را ملزم بدادن دیه کرده‌اند این است که با پیوستگی که میان خانواده موجود بوده رؤسای هر قوم از اخلاق و روش افراد طایفه با اطلاع بوده و با سلطه‌ئی که نسبت بزرگستان داشتند میتوانند از وقوع جرائم جلوگیری نمایند و در مواظبت در اخلاق طایفه سعی بلیغ مینمودند و افراد خانواده هم برای اینکه در برابر بزرگان خانواده شرمسار نشوند از اعمال ناهنجار خودداری میکردند و این عمل باعث تهذیب اخلاق و تزکیه نفوس جامعه میگردد.

طبق ماده ۹ آئین دادرسی کیفری مدعی خصوصی کسی است که متحمل ضرر و زیان از وقوع جرم گردد و پس از مطالبه خسارت از ناحیه مدعی خصوصی کیفر متهم ساقط نمیشود ولی بمقتضای فقهای اسلام اگر مدعی خصوصی غرامت بگیرد کیفر گناهکار ساقط میشود و در جرایمی که قانون کیفر عمومی ایران اهمیت خاصی قائل شده با گذشت مدعی خصوصی کیفر متهم ساقط نمیشود ولی طبق قانون کیفری اسلام در گناهانی که مربوط با افراد است پس از گذشت شاکی حد و دیه از متهم ساقط میگردد.

شرکاء و معاونین مجرم - اگر چند نفر مرتکب قتل شوند مدعی خصوصی میتواند تقاضای قصاص همه را بنماید ولی باید زیادی خون‌بهای سایرین را که قصاص میشود بپردازد. معاونین مجرم قصاص نمیشوند و محکوم بحبس مؤبد میگرددند. اگر کسی را مجبور بارتکاب قتل کنند گناهکار اصلی قصاص میشود (طبق ماده ۲۷ قانون کیفر عمومی اگر چند نفر مرتکب يك جرم شوند به نحویکه هر يك از آنها فاعل آن جرم شناخته شوند مجازات هر يك از آنها مجازات فاعل است و اگر هر کدام يك جزو از جرم واحد را انجام دهند بطریقیکه مجموع آنها فاعل آن جرم شناخته شوند مجازات هر يك از آنها حد اقل مجازات فاعل مستقل است و طبق ماده ۲۹ همان قانون دادگاه میتواند معاونین مجرم را بهمان مجازات شريك جرم محکوم

نماید و یا يك تا دو درجه تخفیف دهد).

تعزیر - تعزیر یعنی تأدیب و با اصطلاح فقها تنبیه و توهینی است که بگناهکاری تعلق میگیرد که مستوجب حد نباشد. فرق میان حد و تعزیر این است که حد حق الله است و تعزیر هم حق الله است و هم حق مردم. حد منصوص است و تعزیر غیر منصوص بهمین جهت حدود در تمام کشورهای اسلامی یکسانست ولی تعزیر تابع مقتضیات و عرف میباشد حد میزان معینی دارد و حداقل و اکثر ندارد در صورتیکه تعزیر میزان معینی ندارد و بسته بنظر قاضی است و بعلاوه حد اقل و اکثر دارد ولی از میزان حد نباید تجاوز کند. تعزیر یا تنبیه بد نیست. یا کیفر نقدی و یا هردو در صورتیکه حد یا قصاص است و یا تنبیه بدنی. یکی دیگر از شروط حد کفایت است که رعایت میشود در صورتیکه در تعزیر فرقی میان زن و مرد و یا بنده و آزاد و کافر و یا مسلمان نیست. اگر در تعزیر گناهکار توبه کند از کیفر معاف میشود در صورتیکه در حد کیفر از او ساقط نمیشود مگر در بعضی از موارد که مستثنی شده است. در حدود گناهکار حق ندارد نوع کیفر را درباره خود تعیین نماید (غیر از لاطی و محارب) ولی در تعزیر گناهکار حق انتخاب نوع کیفر را دارد. در حدود فرقی میان فاعل و مفعول نیست ولی در تعزیر هست (در حقیقت تعزیر جنحه‌های کوچک است که دارای جنبه عمومی نیست و با گذشت مدعی خصوصی کیفر متهم ساقط میشود.)

تنبیه بدنی - يك قسمت مهم از کیفرهای فقه اسلامی تنبیه بدنی است که بوسیله تازیانه انجام میشود و حد اقل آن ۲۵ ضربه و حداکثر آن يك صد ضربه تازیانه است که با شروط و قواعد معینی اجرا میگردد و میزان آن برای هر گناهی در فقه اسلامی پیش‌بینی شده است (طبق ماده ۳۵ قانون کیفر عمومی اگر اطفال ممیز غیر بالغ که کمتر از ۱۵ سال دارند مرتکب جنحه و جنایت کردند محکوم بده الی ۵۰ ضربه شلاق میشوند و در قانون کیفری انگلستان هم ضربه شلاق یکی از انواع کیفرها

است) تنبیه بدنی در حدود و تعزیر جاری میشود .

کیفرهای تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی و تراشیدن سر از کیفرهای تبعی است که با کیفر دیگر تماماً اجرا میشود (بعضی از کیفرهای مزبور با مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۴ قانون کیفر عمومی منطبق است .)

عرش - ۱ اگر کسی مرتکب گناهی شود که دارای دو عنوان باشد و یا عضو کسی را معیوب کند که بعداً معالجه شود و یا مرتکب گناهی شود که حد و تعزیر نداشته باشد عرش به آن تعلق میگیرد و عرش عبارت از غرامتی است که از گناهکار اخذ و بشاکی خصوصی پرداخته میشود. ۱ اگر کسی دندان دیگری را بشکند که در ضمن آن جرح دیگری به معنی علیه وارد آید گناهکار هم قصاص میشود و هم بابت جرح باید عرش بدهد. ۱ اگر کسی حیوان دیگری را بکشد باید عرش بدهد و ۱ اگر معیوب کند تفاوت بهاء آنها باید بدهد (در مواد ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ قانون کیفر عمومی راجع بانلاف و ناقص نمودن حیوانات کیفرهائی پیش بینی شده است) نوع و میزان عرش و موارد پرداخت آن در فقه اسلامی پیش بینی شده است (عرش را با امور خلافی که در ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی ایران است میشود تطبیق کرد) .

کفاره - کفاره عبارت از جزای نقدیست که گناهکار مکلف است بدون دخالت مقامات قضائی به مستمندان بپردازد میزان و موارد آن در فقه اسلامی پیش بینی شده است .

توضیح - یکی از انواع کیفرها در حقوق کیفری اسلام توبیخ است که بوسیله قضاة نسبت به گناهکاران اجرا میشود و موارد آن در فقه اسلامی پیش بینی شده است (در حقوق اداری ایران توبیخ یکی از انواع کیفرهاست که نسبت بمأمورین دولت